

یافت می نشود... گشته ایم ما!



محمدصادق علیزاده

دبیر قفسه کتاب

📍 بازار شام آقا... بازار شام! وضعیت ادبیات کودک و نوجوان این روزها قروم قاطر از هر زمان دیگری است. حالا این وضعیت خرچنگ زرافه ریشه در چه موضوع یا موضوعات دیگری دارد بماند. این وضعیت در همه رشحات و جریان هایی که ذیل ادبیات کودک و نوجوان می گنجد هم سایه انداخته. لاجرم گونه یا ژانر علمی - تخیلی هم از این بلیه عظیم در امان نیست. کافی است یک بار با این نگاه راهی راسته انقلاب یا چند کتابفروشی شوید تا فیوزتان حساسی ببرد از حجم آثار ترجمه ای که بازار را شش قبضه کرده اند. آن وسط ها شاید چشم تان به تک و توک آثار تالیفی هم بیفتد اما همان طور که عرض کردیم، غلبه بر آثار ترجمه است.

راستش را بخواهید زمان کودکی و نوجوانی ما یک ادبیات علمی و تخیلی بود و یک ژول ورن و بیست هزار فرسنگ زیر دریا. امروز روز اما تنوع و تکرار آثار مختلفی که با این عنوان راهی پیشخان کتابفروشی ها شده اند هوش از سر هر انسان هوشیار کتابخوانی هم می پراند. همین هم شد که بچه های تحریریه را به خط کردیم تا به ضرب و زور هم که شده نیمچه پرونده ای حول این موضوع قلمی کنند و نتیجه آن شد که امروز جلوی چشم تان می بینید. امید که مقبول افتد و این صحبت ها.

این وسط اما یک چیز برای خودمان هرچند روشن بود اما بیخ قضیه خودش را بیشتر نشان داد. در فقره ادبیات علمی و تخیلی از ناشر و نویسنده داخلی که بتوان آن را یک اثر تالیفی قلمداد کرد در یک برهوت عظیم به سر می بریم. انگار که پرت شده باشیم وسط کویر لوت و یکی هم شلاق به دست ما را مجبور کرده باشد پی قطره ای آب بدویم. یحتمل اگر ثانیه ای به این وضعیت تراژیک اندیشیده باشید وضعیت تراژیک بچه های تحریریه برای تهیه و تدوین همین نیمچه پرونده دست تان خواهد آمد. یعنی جای تان خالی بود بینید بر و بچه های تحریریه که ذره بین به دست مشغول پیدا کردن آثار تالیفی علمی

و تخیلی بودند چطور سرشان را به در و دیوار و کمد می زدند و مواز سر خودشان می کردند. خلاصه که اگر در این فقره پرونده این شماره را کمی نحیف و راشیتیس م طور می بینید و مدام ورق ورق می کنید که چهار تا اثر داخلی و تالیفی پیدا کنید و یحتمل نمی کند، فحش و بد و بیراهش را فقط حواله اسم هایی که توی شناسنامه این

شماره درج شده نکنید. این بنده خداها حساسی خودشان را آویزان در دیوار کردند ولی خب یافت می نشد که نشد. خلاصه که تا اطلاع ثانوی فرزندان و کودکان و نوجوانان شامبو سگومبولی خودتان را باید با همین معدود آثار داخلی و البته انبوه آثار خارجی سرگرم کنید تا ببینیم چه می شود. من بروم سراغ تحریریه ببینیم چه شده که دوباره سروصدایشان بالا رفته و گروه را گذاشته اند روی سر خودشان. تا هفته بعد! 📍



خیال بافی یک داروخانه
ابن سیناست برای
خودش، فی نفسه به
تقویت خلاقیت و تفکر
خلاق منجر می شود که
خود این موضوع ریشه
در علوم روان شناختی
دارد



علم بهتر است یا ثروت قدیمی است، باید بگوییم: علم بهتر است یا خیال! دانشمند باشیم یا خیال پرداز؟



زینب آزاد

دستیار دبیر
قفسه کتاب

📍 از زمانی که یادم می آید، همیشه به ما می گفتند که خیال بافی نکنید، با واقعیت کنار بیایید، در زمان حال زندگی کنید و از داشته های تان استفاده کنید؛ ما هم که سربه هوا! عدل می رفتیم سراغ همین کارها. تا از روزمرگی ها فاصله می گرفتیم، می رفتیم دنبال قدم زدن در فلان خیابان، فلان کشور یا پرواز کردن و خریدن بهمان لباس که چندمتری دنباله دارد، خواندن کتاب های تخیلی هم که مساوی بود با یک جنایت بزرگ. شاید بخشی از حرف هایی که در آن دوران شنیده ایم، حقیقت داشته باشد اما امروزه خلاف این حرف ها به تأیید بزرگان رسیده است. امروز می گویند بیایید آینده را تصور کنید، گول مان می زنند، تصور همان خیال است دیگر مرد حسابی! ما خودمان این کاره ایم.

جایی خواندم که: «محققان دانشگاه هاروارد در مطالعه ای که روی بیش از ۲۴۰۰ نفر در رده های سنی ۱۸ تا ۸۸ سال داشته اند، دریافتند که ذهن آنها چیزی حدود ۵۰ درصد مواقع مشغول خیال پردازی درباره امور مثبت است. مواردی مانند: «گرفتن ترفیع، خلبانی هواپیما، اختراع نوع جدیدی از سفرهای فضایی یا تأسیس یک جامعه کوچک جزیره ای.»... اکبر از این بشر دوبا که همه اش دنبال کسب خوبی ها و داشتن چیزهای خفن است. اما چیزی که برایم جالب بود این بود که بعد از این تحقیق مشخص شد همه افراد از خیال پردازی لذت می برند. ما هم لذت می بردیم! پیش خودمان و همه مخاطبان قفسه کتاب بماند که من هنوز هم خیال پردازی می کنم، گاهی هم خیال بافی های گذشته را تداعی می کنم و لبخند زکوندی می زنم و ما کجاییم در این بحر تفکر، قبلنا کجا بودیم را زمزمه می کنم.

رشته کلامم شرحه شرحه شد، آمده بودم از نویسنده های علمی - تخیلی نویس بگوییم ها! همه ما می دانیم که نویسندگان علمی - تخیلی در داستان های خود آینده ای را به تصویر می کشند که دور از ذهن است. مثلاً می آیند از یک سری وسایل نقلیه یا قدرت های ماورایی می گویند که آدم شاخ هایش درمی آید، آخرش هم می گویند: ای بابا، این ها همه اش زاییده ذهن نویسنده است. حالا انگار این نویسندگان بیچاره علم غیبی چیزی دارند یا مانند این رمال های پارک ساعی، یک مشت نخود از توی جیب شان درآورده اند و خبر از آینده

می دهند! حالا جدا این سوال مطرح می شود که برای نوشتن یک داستان علمی - تخیلی، باید عالم بود یا خیال پرداز؟ اگر علم غیب دارند که باید کمی از احوالات شان ترسید، تازه با فرض این که می دانیم راست می گویند؛ اما اگر عالم نباشند و صرفاً با خیال پردازی گذران امور می کنند که من دیگر حرفی ندارم و می روم نان و ماستم را می خورم.

اگر این طور بگوییم بهتر نیست؟ نویسنده ها خودشان هم می دانند که ممکن است چیزی که در داستان خود می نویسند یا در آینده نزدیک محقق شود یا این که هیچ وقت بشر به آنجا نرسد، تازه با این همه پیشرفتی که در تکنولوژی و ارتباطات و این جور چیزها داریم! ممکن است رگه هایی از علم در داستان هایشان تعریف شده باشد اما مستند نبوده و نمی شود به آن تکیه کرد؛ پس هرآنچه که می نویسند زاییده تخیلات شان است.

البته که باید بدانید خیال بافی یک داروخانه ابن سیناست برای خودش، فی نفسه به تقویت خلاقیت و تفکر خلاق منجر می شود که خود این موضوع ریشه در علوم روان شناختی دارد؛ این هم یک بخش علمی! تازه تحقیقات علوم اعصاب نشان داده است که خیالی بافی، بین مجموعه ای از مناطق متقابل مغز، ارتباط ایجاد می کند، جالب ترش این که همان بخش هایی که در حالت استراحت فرد، فعال می شوند و شیفت دوم نگهبانی سیستماتیک بدن را به عهده دارند.

اصلاً از خودتان پرسیده اید که چرا هیچ جای این علوم پیشرفته از خواص خیال پردازی نگفته است؟ مثلاً این که یک فرد خیال پرداز به مراتب صبورتر و مهربان تر از افراد عادی است یا حافظه قوی تر دارد، درک و همدلی بیشتر با دیگر افراد برقرار می کند. شاید برایتان جالب باشد که بدانید خیال پردازها در عشق موفق تر هستند، در محیط های کاری به مقامات بهتری می رسند، ایمنی بدنی بهتری داشته و افراد شادتری هستند. نمونه هم اینجانب، البته با کمی اغماض مثلاً در آن بخش اش که از نظر کاری همچنان دستیار و جانشین هستم و بهتر است زبان به دهان بگیرم تا این مطلب شیفت دلیت نشده است.

همه اینها را ردیف کرده ام که در نهایت بگوییم یک نویسنده داستان های علمی - تخیلی، الزاماً نباید دکتر، مهندس یا یک عالم برجسته باشد، گرچه این امر به بیان مباحث علمی و عقلی کمک بزرگی می کند اما خیال پردازی، جزء لاینفک نوشتن این قبیل داستان ها است. 📍